شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۴شنبه

سال پانزدهم
۲۹ فروردین ۱۴۰۳
۰۸ شوال ۱۴۴۵
شماره ۴۱۹۵

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
● نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
● روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۵۴٪

صبح ۱۲° ظهر ۱۷° شب ۱۵° عصر ۱۸°

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۳۱:۰۰ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۶:۰۲
غروب آفتاب ۱۸:۰۷:۱۸ ● اذان صبح فردا ۰۳:۲۳:۱۱
اذان مغرب ۱۸:۲۶:۱۱ ● طلوع آفتاب فردا ۰۴:۵۳:۲۳

هنر روز

اثری از مهدی و علی مصطفوی با نام «وعده صادق» که در واکنش به پاسخ کوبنده ایران به رژیم غاصب صهیونیستی منتشر شده است.

عکس زائر

عکس: محدثه حسینی/شهرآرا

حال خوش خانواده خوش

خانواده آقای خوش در صحن جمهوری و رو به پنجره فولاد ایستاده اند. آن ها از قوچان به مشهد آمده اند تا مثل هر ماه عرض ارادتشان به آستان حضرت رضا(ع) به راه باشد. پدر خانواده می گوید چند سال پیش برای سفر بندرعباس رفته بودند و پسرشان ایلیا را گم می کنند چند ساعتی دنبالش می گردند و پیدا نمی شود. تا اینکه دست به دامان امام رضا(ع) می شوند و چند دقیقه بعد پسرشان را پیدا می کنند.

چکامه

کسی به جز تو حواسش نیست

به این حواسِ پریشانم کسی به جز تو حواسش نیست
دلم گرفته و می دانم کسی به جز تو حواسش نیست
برای خشکی چشمانم کسی نماز نمی خواند
به این که تشنه بارانم کسی به جز تو حواسش نیست
نشان خانه آهو را کسی به جز تو نمی پرسد
به من، منی که گریزانم، کسی به جز تو حواسش نیست
منی که گم شده ام در خود میان این همه تنهایی
به چشم های هراسانم کسی به جز تو حواسش نیست
به من که غم به سرم آوار... که سر گذاشته بر دیوار..
نشسته گوشه ایوانم، کسی به جز تو حواسش نیست
به من که چند صباحی هست بلیت سبز دعا در دست -
در اشتیاق خراسانم، کسی به جز تو حواسش نیست
چقدر بی کسم و رنجور، خودت مرا بطلب از دور
به من امام رضا جانم، کسی به جز تو حواسش نیست

تکتم حسینی

اول شخص

فرمانده عقاب ها

یادی از سرتیپ هوشنگ صدیق، فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در سال های ۶۲تا۶۵ به بهانه روز ملی ارتش

آزاده چشمه سنگی
نویسنده

به‌گواه تقویم، امروز روز ملی ارتش جمهوری اسلامی است. با تورق تاریخ، ارتش ایران در بهار ۱۳۵۸ را به نابسامان ترین شکل ممکن و در آستانه انحلال می یابیم. شرایط ناپایدار و نگران کننده ای که در نخستین ماه های پیروزی انقلاب اسلامی، ارتش را با پافشاری نیروهای ضدانقلابی، به فروپاشی نزدیک می‌کرد. گروهک های مختلفی چون منافقین، دم از تعطیلی ارتش می زدند و می‌گفتند: ارتش ما باید ارتش بی طبقه توحیدی باشد. اما در آن برهه حساس تدبیر و درایت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران ناجی کشور شد. دو روز پس از خطابه حضرت امام(ره) به ملت شریف ایران مبنی بر اعلام روز ارتش و فرمان رژه در شهرستان های بزرگ، در روزشمار تقویم ملی ایران، ارتش جمهوری اسلامی تکریم شد و با قدرتی شکوهمندانه تر از گذشته به فعالیت های خود ادامه داد. آن چنان که در سال ۱۳۵۹ با آغاز حملات رژیم بعثی عراق به خاک وطن، در صف نخست نیروهای دفاعی امنیتی، رسالت خود را در حفظ مرزهای کشور آغاز کرد.

از جمله فرماندهان متخصص و متعهد آن ایام که در قامت فرماندهی و خلبانی، گام های مؤثری در پیشبرد آرمان های ارتش جمهوری اسلامی ایران برداشت، خلبان هوشنگ صدیق، سرتیپ خلبان اف-۴ فانتوم ۲ بود که در چهارم آذر سال ۱۳۶۲ به پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع، با حکم حضرت امام(ره) به فرماندهی نیروی هوایی ارتش منصوب شد و تا بهمن سال ۱۳۶۵ در آن جایگاه خدمت کرد.

دشواری وظیفه در روزهای نخست فرماندهی صدیق، نابسامانی های درون سازمانی آن ایام بود. وضعیت سیاسی نیروها، کادر اجرایی و مدیریت نیروی انسانی در روزهای نخستین جنگ، هر فرماندهی را با چالش های گوناگونی روبه رو می‌کرد. سرتیپ صدیق که پیش از فرماندهی نیروی هوایی، در منطقه اول هوایی مهرآباد خدمت می‌کرد، تجربیات خود را با چاشنی ولایت مداری، دانش، تخصص و ایمان راسخ به کار بست تا ارتش را از بحران جنگ، عبور دهد. او که در آن برهه حساس سی وشش سال بیشتر نداشت، در عین جوانی، مهارت بالایی در پرواز و رعایت اصول نظامی داشت. شاگرد اول دوره های رزمی که بارها در مسابقات تیراندازی هوا به زمین، رتبه نخست را به خود اختصاص داده بود.

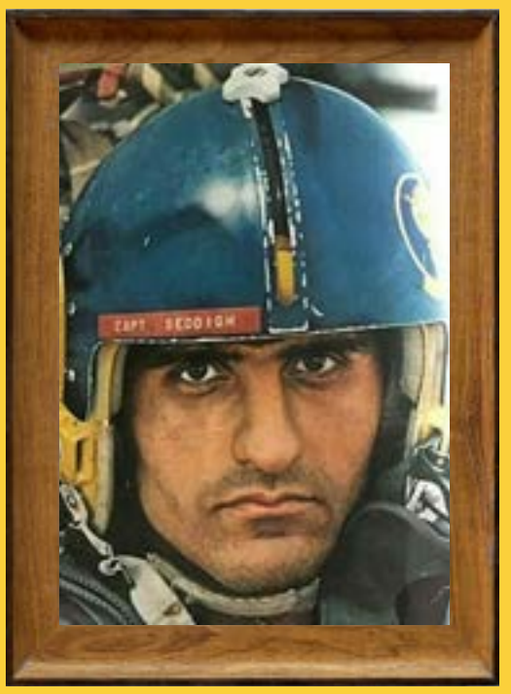

در یک سال نخست جنگ مأموریت های متعددی را تجربه کرد، اما از جایی به بعد بیش از آنکه در کابین پرواز خدمت کند، در اتاق طراحی عملیات مشغول به انجام وظیفه بود و هنگامی که سکان فرماندهی نیروی هوایی را به دست گرفت، با انتصاب شهید بابایی به سمت معاونت عملیات و شهید ستاری به معاونت طرح و برنامه، اهداف سازنده خود را با قدرت دنبال کرد. حال آنکه به علت تحریم های شدید دشمن و خلأ نیروی متخصص، تحت شدیدترین فشارها بود.

با این همه، بسیاری او را «پایه‌گذار جهاد خودکفایی» در نیروی هوایی ارتش می دانند زیرا تأکید داشت با تکیه بر دانش مهندسان وطنی می توان برخی قطعات مورد نیاز در صنایع پرواز را در داخل تولید کرد. بسیاری روش ها، سیستم ها و دستورالعمل های اداری و فنی و نیروی هوایی ارتش در دوران فرماندهی او تغییرات کلی پیدا کرد و به این ترتیب در زمره یکی از اثرگذارترین مدیران این نهاد قرار گرفت. پیروزی در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵، حمله به مواضع دشمن، انهدام پالایشگاه نفتی کرکوک، دفاع و پشتیبانی از نیروهای پیاده و کشتی ها و نفت‌کش های ایرانی در طول هشت سال جنگ تحمیلی از مهم ترین اقدامات مرحوم صدیق در دوران درخشان فرماندهی بر نیروی هوایی ارتش بود.

پس از پایان دوران دفاع مقدس نیز، در سمت های گوناگون وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح انجام وظیفه کرد. مدیرعاملی شرکت های هواپیمایی همچون چابهار، کاسپین و در اواخر عمر نیز مدیرعاملی هواپیمایی زاگرس از دیگر سمت های اجرایی او در دستگاه های گوناگون بوده است.

در تابستان ۱۳۹۹ هم زمان با روزهای پرالتهابی که ویروس کرونا قربانیان بسیاری می‌گرفت، امیرسرتیپ خلبان هوشنگ صدیق نیز در سن هفتادودوسالگی بر اثر ابتلا به کووید ۱۹ در بیمارستان ۵۰۱ ارتش، دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران بهشت زهرا(س) تهران به خاک سپرده شد.

فتح فاو

باعملیات والفجر ۸ بود که نیروی هوایی ایران به فرماندهی امیر سرتیپ خلبان هوشنگ صدیق موفق شد با ایراد آسیب جدی به نیروی هوایی عراق، توانایی هوایی آن ها را فلج و ادامه عملیات را برای پیشرفت نیروهای رزمنده مهیا کند. در نتیجه این عملیات بود که شهر فاو و اسکله های البکر و الامیه عراق آزاد شد و ادامه تجاوزات نیروهای موشکی و دریایی عراق به اسکله ها و بنادر و جزایر نفتی ایران متوقف شد. شرح این برهه مهم از جنگ، در کتابی با عنوان «قدرت هوایی ایران در عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)» توسط مرکز انتشارات راهبردی نهاجا منتشر شده است.

روایت

من و بابک و آریو

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

من سرباز ارتش بودم، نیروی دریایی اش، خیلی دیر خدمت رفتم، هی لفتش دادم که دری به تخته بخورد که یا معاف شوم یا بخرم که نه دری بود و نه تخته ای فلذا در حالی که دخترم سه سالش بود عازم خدمت شدم. دروغ چرا روزهای سخت و تلخی بود روزهایی پر از محرومیت و محدودیت آن هم فقط به دلیل اهمال کاری و تسویف خودم.

یکی از چیزهایی که شارژم می کرد و وسط سختی ها و بی خوابی ها و فشارهای مهم جسمی و روحی تسکینم می داد این عبارت دو کلمه ای بود، ارتش ایران. این نام آن قدر شعف به جانم می ریخت آن قدر کیفورم می کرد که همه آن سختی ها را می شست و می برد. صبح ها وقتی مراسم صبحگاه را برگزار می کردیم، پرچم آرام آرام با نوازش نسیم بالا می رفت و ما خبردار و شق ورق دست چسبیده بیخ گوش سرود ملی را می خواندیم و بی پلک زدن چشم می دوختیم به اوج گرفتنش لذتش با کمتر لذتی در زندگی ام قابل توصیف است. شب ها در اوج خستگی و کوفتگی و درست چند پلک قبل از بی هوش شدن زل می زدم به کفی تخت بالایی که سقف تخت من بود و همان طور که یادگاری های دوره قبلی ها را نگاه می کردم به این فکر می کردم من هم سربازی از ارتش ایرانم. به این فکر می کردم که روز قیامت رعناجوانی گرده دریده و دست و پا قطع دست بر شانه ام می گذارد و می گوید چطوری سرباز و من می پرسم شما او می گوید، مثلا من آریو ام یا بابکم یا سیامکم یا شهرام.

سربازی از ارتش ایران در جنگ چالدران یا جنگ ممسنی یا جنگ با عثمانی و روم و روس و افغان. من سرباز بودم و فدای وطن شدم تو برای ایران چه کردی و من سر پایین خواهم انداخت که هیچ. سرباز بودم و غر زدم و گله کردم و ناراضی بودم. تقویم را ورق می زدم برای انتخاب مناسبتی و پدیده ای برای نوشتن که دیدم روز ارتش است. چند روز است از عملیات وعده صادقمان می گذرد و من حس غرور و افتخار می کنم. سپاه و ارتش برادرند و قطعا این افتخار حال امرای ارتش را هم خوش کرده است. روز ارتش را به همه سربازها، همه راننده ها، همه امرا و فرماندهان و یگان های آشکار و پنهان ارتش تبریک می گویم و با افتخار عرض می کنم که یازده ماه و بیست و یک روز هم لباس شما بوده ام.

یادبود

عکس: جواد کرمانی/شهرآرا

به یاد مرحوم رجبعلی دهنوی، مردی که شاهد شهادت ۳ فرزند غیورش بود

موعد دیدار

دوشنبه ۲۷ فروردین ایام چشم به راهی رجبعلی دهنوی به پایان رسید و او با لبیک به دعوت حق به پسران شهیدش پیوست. رجبعلی پدر شهیدان حسین، علی اکبر و حمیدرضا بود که دو فرزند دیگرش علیرضا و موسی نیز در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در جبهه به درجه جانبازی رسیدند.

اول فروردین ۱۳۸۱ نخستین مهمان خانه آقای دهنوی رهبر معظم انقلاب بود. دیداری که آنها حتا خوابش را هم نمی دیدند: «مادر خواب هم انتظار چنین دیداری را نداشتیم. با تمام وجود از حضور ایشان در منزلمان خوشحال بودیم. رهبر معظم انقلاب با اشاره به برخی جریانات فتنه و افراد ضعیف که در اثر تبلیغات دشمنان خارجی و داخلی راه حقیقت را گم کرده اند، فرمودند: شهدا وفادارترین پیروان انقلاب بودند که برای دفاع از انقلاب از فدا کردن جان نیز دریغ نکردند، شهدا همیشه شمع راه انقلاب خواهند بود.

ایشان از ما خواستند که همیشه پیرو راه شهیدان که همان راه حقیقت است، باشیم.» مرحوم دهنوی یک سال پس از این دیدار نشان ملی ایثار را از دستان رهبر معظم انقلاب دریافت می کند.

این پدر شهید که خانه اش را تبدیل به موزه شهدا کرده بود باور داشت: «در هر وجب از خاک این سرزمین خون جوانی ریخته است، پدران، پسران و مادران زیادی داغ دار شده اند. برای همین همه باید بصیرت شهدا را داشته باشیم تا در طول مسیر انقلاب و طوفان حوادث دچار گمراهی نشویم.»

«زندگی شهیدان دهنوی» نام مستندی با محوریت زندگی رجبعلی دهنوی، پدر سه شهید انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که جواد علیزاده هنرمند مشهدی آن را کارگردانی کرده است.

علیزاده که خلاصه ای از زندگی نامه آن ها را خوانده مشتاق شده تا داستان زندگی این خانواده را مستند کند: «آن زمان این ایده را با علی هراتیان، تهیه کننده کار، در میان گذاشتم و پس از آن با انجام کارهای اداری و اعلام موافقت خانواده کار را شروع کردیم.»

در پی درگذشت رجبعلی دهنوی، رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، استاندار خراسان رضوی و... با صدور پیامی درگذشت این مرد بزرگ را تسلیت گفتند.

مرحوم دهنوی، دیروز در قطعه صالحین گلزار شهدای بهشت رضا(ع) در آغوش خاک آرام گرفت.